

بی گمان، نصدای حزب‌تحریر بر ارتش‌های است برای یاری‌سازان به مردم مظلوم فلسطین و نصرت دین الله سبحانه وتعالی، از طریق در هم‌گوبیدن نظام‌های خائن و فریبکار و برپایی خلافت راشده بر ویرانه‌های آن‌ها، روزی برترید با باسختی کوبنده از سوی امت و ارتش‌های آن رو به‌رو خواهد شد؛ چراکه این ندایی است که دل هر مومن بیدار دلی را می‌راند و هر جان پاک و مومنی که در آرزوی همراهی با این ندای حق، بی‌قرار و مشتاق است، شعله‌ور می‌سازد، آری، آن روز خواهد آمد؛ روزی که خلافت راشده دوم بر منج نبوت قد علم خواهد کرد و سرزمین مبارک از نجاست یهود پاک خواهد شد و بیستی یهود و آمریکا و تمام جرمینانانشان در خاک‌خواری و ذلت ساییده خواهد گشت «یوقولون منی هو قل عسی ان یكون قریبا» «و می‌گویند: این وعده کی فرا خواهد رسید؟ بگو: امید است که نزدیک باشد».



در این شماره می خوانید :

ترامپ بر تمام جهان مالیات گمرکی وضع می‌کند...۲

چه چیزی پشت پرده سفر ماکرون به مصر است؟...۲

چگونه باید با تجاوزات رژیم یهود در مرحله کنونی مقابله کرد؟...۳

بریتانیا اجلاس دربارۀ سودان برگزار می‌کند بدون آن‌که دولت حکومت سودان را دعوت کند...۴

الجزایر و منطقه مغرب اسلامی در مرکز طوفان استعمار آمریکایی...۴

چهارشنبه ۱۷ شوال ۱۴۴۶ هـ، ۱۶ آوریل ۲۰۲۵ م، ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ ش

مقاله برگزیده

مذاکرات آمریکا و ایران در عمان

استاد حسن حمدان

مذاکرات میان ایران و آمریکا در عمان آغاز شده است تا به توافقی درباره پرونده هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌ها دست یابند؛ این اعلام کرده که آمریکا خواستار دستیابی به توافق هسته‌ای در سریع‌ترین زمان ممکن است، این‌هم پس از گفت‌وگوهای نادر که روز شنبه در عمان برگزار شد، درحالی‌که رئیس‌جمهور آمریکا تهدید به اقدام نظامی کرده است اگر تلاش‌ها برای رسیدن به توافقی جدید به شکست مواجه شود. وزارت خارجه ایران اعلام کرده که مذاکره‌کنندگان چند دقیقه‌ای به‌طور مستقیم نیز گفت‌وگو کرده‌اند. همچنین افزود که گفت‌وگوها در فضای سازنده و با احترام متقابل برگزار شده است.

برای پرداختن به روابط ایران و آمریکا، باید بر این نکته تأکید کرد که آمریکا به‌شدت به دنبال رسیدن به توافقی درباره روابط با ایران و پرونده هسته‌ای‌اش است؛ این حرص آمریکا ناشی از منافعتش به‌عنوان کشوری است که به‌خوبی از نقش‌هایی که ایران تاکنون ایفا کرده و همچنان ایفا می‌کند، در منطقه، به‌ویژه در سوریه، ایفا کند؛ جایی‌که رژیم بشار به‌شدت ضعیف شده و در آستانه سقوط از نفوذ آمریکا قرار داشت؛ بنابراین آمریکا در تاریخ ۲۰۱۴/۰۷/۲۰ با ایران توافق کرد تا نقش آن را در سوریه تقویت کند، پس از آن‌که جوی گسترده در سوریه تحت نام خلافت جدید آمده بود و روشش ارتش‌ها را در دشمن سرخست ایده خلافت و پروژه آن است.

این مسئله یعنی فراخوان به خلافت در سوریه، بحران آمریکا و غرب را تشدید کرد، زیرا آنان به نفعت و قدرت خلافت واقف بودند و می‌دانستند که دیگر قدرت‌ها در برابر آن نهضت‌ها نخواهند داشت، بلکه ممکن است اثری از آن‌ها باقی نماند. عامل دیگری که این بحران را تشدید می‌کند، غرق شدن خود آمریکا در بحران‌های گوناگون است؛ امری که توان تأثیرگذاری مستقیم آن برای آن بین‌بردن این فضای اسلیمی رو به رشد در سوریه را کاهش داده است. ازاین‌رو، آمریکا به دنبال متحدانی در منطقه می‌گردد که تا مقدّم مقابله با این فشاری اسلامی قرار گیرند، بدین‌گونه، با این توافق، ایران را از انزوایش خارج کرد تا بجای او با انقلاب امت بچنگد تا آنجا که ابوابا اظهار داشت: «آتی‌چه ما با ایران انجام دادیم، پیشرفت‌ی ملموس و مهم‌ترین دستاورد از زمان آغاز ریاست‌جمهوری من است...».

بر ابتدا برخی طرف‌های بین‌المللی همچون سگانه اروپایی، بریتانیا، فرانسه و آلمان با این توافق مخالفت کردند و موضع اروپا نسبت به ایران پس از انتخاب خمینی شناخته‌شده است، زیرا این انقلاب با قطار آمریکایی و علیه نفوذ بریتانیا به وقوع پیوست.

همچنین رژیم یهود نیز با این توافق مخالفت کرد و نخست‌وزیر آن، نتانیاهو، اظهار داشت که «این توافق، اشتباهی تاریخی و توافقی بد است که آنچه ایران می‌خواست را در اختیارش می‌گذارد؛ به‌بخشی از تحریم‌ها و حلقه بخش اساسی برنامه هسته‌ای‌اش».

مخالفت یهود با توافق، نه از سر اختلاف اعتقادی با ایران، بلکه صرفاً از منظر سیاسی و بر سر نقش و جایگاه در خدمت به منافع آمریکاست. عامل مهم دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه رژیم یهود نمی‌خواهد در منطقه هیچ قدرت مؤثری جز خود وجود داشته باشد و این ناشی از عقده امنیتی‌اش است، حتی اگر آن قدرت، متحد نزدیک باشد. از همین رو، این رژیم خواهان نابودی کامل توان هسته‌ای ایران است. همچنین حزب جمهوری‌خواه آمریکا نیز در آن زمان با این توافق مخالفت کرد، به‌ظاهر آنکه توافق به نفع ایران و موجب تقویت جایگاه آن بود، چراکه حقیقت توافق در دوران ابوابا، چیزی جز خفت و خواری برای ایران و عقب‌نشینی شرم‌آور از پروژه هسته‌ای‌اش نبود؛ اما ترامپ دلایل مهمی برای اعلام خروج از آن ارائه داد:

۱- دلایل حزبی و مخالفت با حزب رقیب، به‌طوریکه ترامپ، نی‌خواست حزب دموکرات پیروزی‌ای به نام خود ثبت کند، بلکه می‌خواست این پیروزی به نام خود او تمام شود. این موضوع در مذاکرات امروز نیز تأیید می‌شود.

۲- دلایل انتخابی، چراکه پایگاه مردمی حزب جمهوری‌خواه متشکل از اقلیت‌ها، از این سیاست‌ها حمایت می‌کنند، چون آن را یکی در راستای تأمین بیشترین میزان امنیت برای یهود می‌دانند و آن را مسئله‌ای عقیدتی (دینی) بالاتر از مسئله‌ای سیاسی تلقی می‌کنند.

ادامه صفحه ۳



غزه همواره دژ از دژهای پایداری و حماری از صهارهای عزت و خاری در گلویش افشاگر بوده است؛ با وجود محاصره و گرسنگی و ویرانی، با وجود حملات هوایی و بمباران و با وجود ترک شدن از سوی نزدیکان پیش از دورتها، اما مصیبت زمانی دوچندان می‌شود که همسایه‌ها و آن‌که باید برادران باشند، به تاجری خون‌ریز تبدیل شوند؛ دروازه نجات را به دلار قیمت‌گذاری کنند و کمبهای انسانی را وسیله‌ای برای قوت‌اندوزی بچند سازد.

از آغاز تجاوز اخیر یهود به نوار غزه، نگاه‌ها به‌سوی جنوب، یعنی مصر، دوخته شد، به امید آنکه درها به روی کمبها گشوده شود و موانع از برابر گسانی که به دنبال درمان یا امنیت هستند برداشته شود؛ اما واقعیت دردناک‌تر از خیال بود. دیواری از طمع در مرزهای غزه:

همین‌که قدمت به گذرگاه رفح از سمت مصر برسد، با شبکه‌ای از سوءاستفاده سازمان‌یافته رویه‌رو می‌شود؛ شبکه‌ای که با حمایت امنیتی اداره می‌شود و از طریق بازوهای تجاری وابسته به نظام اجرا می‌گردد. در مصدر آن افراد، ابراهیم العرجانی ایستاده است؛ بازرگانی که به نزدیکی‌اش با دستگاه‌های حکومتی معروف است و نامش به نصدای از غارت سازمان‌یافته تحت عنوان «شرکت هله، تبدیل‌شده است.

العرجانی و شرکایش هزینه‌های سنگینی را بر اهل غزه که در تلاش برای خروج از جهنم جحش هستند تحمیل کردند؛ در بسیاری از موارد این مبالغ به پنج هزار دلار برای هر فرد رسید، بی‌آنکه خدمات واقعی یا تسهیلات ملموسی ارائه شود. شگفت آنکه این ارقام نجومی در شرایط انسانی فاجعه‌بار پرداخت شد؛

حزب‌تحریر / ولایت لبنان: تجمّع اعتراضی با عنوان «غزه، خون تو خون ماست، ای ارتش‌های امت»

در پاسخ به فراخوان حزب‌تحریر / ولایت لبنان، صدها تن از فعالان و مردم طرابلس و جومه آن در راهپیمایی پیاده‌ای با عنوان: «غزه، خون تو خون ماست، ای ارتش‌های امت» شرکت کردند. این راهپیمایی پس از نماز جمعه، در تاریخ ۲۰۲۵/۴/۱۱ خورشیدی، در محله‌ای کبیر آغاز شد و شرکت‌کنندگان در آن، در خیابان‌های طرابلس به حرکت درآمدند. در این راهپیمایی، پرچم‌های اسلامی به اهتزاز درآمد و پلکارهایی در پاریطبی از ارتش‌های مسلمانان برافراشته شد. همچنین شرکت‌کنندگان شعارهایی سر دادند که خواهان سرنگونی تاج‌وتخت ظالمانی بودند که غزه را در محاصره نگاه داشته و از رژیم یهود حمایت می‌کنند.

این راهپیمایی با تجمّع در میدان النور پایان یافت و در آن، شیخ احمد الصوفی از اعضای حزب‌تحریر / ولایت لبنان، سخنرانی‌ای ایراد کرد که در آن، مسئولیت نخست ریخته شدن خون‌ها در غزه را بر عهده حاکمان مسلمان دانست. او بیان کرد که خیانت و مزدوری این حاکمان آشکار شده و از پاری آنان قطع امید شده است. سپس مسئولیت درجه دوم را متوجه فرماندهان ارتش‌های مسلمان دانست؛ کسانی که سلاح و مردان در اختیاردارند و از آنان خواست تا همان‌گونه که رضای نخستین امت را پاری کردند، آنان نیز به پاری امت برخیزند؛ همانند عمر بن خطاب، سعد بن معاذ و اسعد بن زراره صبه‌المعظمه. او همچنین از افسر مصری خالد اسماعیلی و محمد صلاح وفضاش ترک و دیگر فرمانران ارتش‌های مسلمان یادکرد و تأکید نمود که مسئله فلسطین تنها از راه همداد حل خواهد شد، نه از مسیر مذاکرات و نه عادی‌سازی روابط و افزود که نابودی رژیم یهود وعده‌ای الهی است که ان‌شاء‌الله تحقق آن نزدیک شده است.

حزب‌التحریر / آمریکا: جهان در گذرگاهی سرنوشت‌ساز

حزب‌تحریر / آمریکا اجلاس «جهان در گذرگاهی سرنوشت‌ساز: بحران ایدئولوژیک و راه پیش‌رو» را برگزار کرد؛ این اجلاس خلافت سالانه، توافقی‌های فزاینده در ادعاهای غرب درباره عدالت، آزادی و کرامت انسانی را به چالش می‌کشد. صدها نفر به‌مسمورت ضروری در آن شرکت کردند و هزاران نفر نیز به‌مسمورت زنده از سراسر جهان آن را دنبال کردند.

استاد حارس ابیونرین اجلاس را با سخنرانی‌ای تحت عنوان «برداشتن نقاب: تناقض‌های ادعای ارزش‌های غربی» آغاز کرد و نشان داد که چگونه شعارهای دموکراسی برای پوشاندن سانسور، جنایات جنگی و سرکوب بکار می‌رود. او بر استفاده از دستکاری رسانه‌ای و ممنوع‌سازی رسانه‌های اجتماعی تأکید کرد که هدف آن حفظ روایت‌های یهود است؛ حتی در زمانی که روزنامه‌نگاران در غزه کشته می‌شوند و دانشجویان در آمریکا به سبب انتقاد از جنایات رژیم یهود بازداشت و توسط نیروهای امنیتی ربهوده می‌شوند.

پس از او، دکتر عبدالزافع درباره خدمات درمانی در غزه تحت محاصره سخن گفت. او با تأکیده بر تجربه‌اش در درمان مروحان غزه، فروپاشی کامل زیرساخت‌های بشری و بازگشت به نظامی که الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده، به‌تلاش کرد؛ جایی که کودکان ناگزیر به تحمل عمل‌های قطع عضو بدون بی‌هوشی شده‌اند. او در سخنرانی‌اش توضیح داد که این رنج‌ها مصداقی نیست، بلکه نتیجه سیاست‌ها و محاصره‌ای عامدانه است که قدرت‌های خارجی از آن پشتیبانی می‌کنند.

در پایان، دکتر محمد عبدالله به سخنرانی‌ای با عنوان «مسلمانان در آمریکا: چگونه به‌بیش برویم؟» شرکت‌کنندگان را مخاطب قرارداد و مسلمانان را به عبور از سیاست‌های حزبی و مرزهای جغرافیایی و بازگشت به هویت اسلامی‌شان فراخواند. او آنان را به رد اصول شکست‌خورده بشری و بازگشت به نظامی که الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده، دعوت کرد؛ نظامی که عدالت را برای همگان محقق می‌سازد و مسلمانان را زیر یک پرچم متحد می‌کند.

این اجلاس پیامی فراتر از آمریکا داشت؛ دعوتی به مسلمانان در غرب و سراسر جهان برای شناخت دوران کنونی. دوران سکوت به پایان رسیده و بر امت است که خود را سازمان‌دهی کند، به مراحات سخن بگوید و با عزم راسخ عمل کند. این سبجانه‌وتعالی می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لبقسطه شهدا، لله ولو علی انفسکم او الاولین و الاخرین» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید و به خاطر الله سبحانه‌وتعالی شهادت دهید هر چند که شهادت‌ن به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد».

این اجلاس تأکید کرد که جهان دچار کمبود راحل نیست، بلکه مابع اصلی، انکار حقیقت است؛ و آن حقیقت چیزی جز اسلام نیست. وظیفه ماست که این حقیقت را به‌بیش ببریم تا امت را بیدار کنیم و رحمت‌الله سبحانه‌وتعالی را در جهان منتشر سازیم.

ارتش‌های مسلمان و خطوط قرمز آن‌ها

ای افسران وفادار در ارتش‌های مسلمانان! فریادهای استقامت‌های که غزه برپیش‌زد، همان خطوط قرمز شهادت، الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «لا تنفروا یغذبکم عذاب الیمّا ونستبدلن قوما ینفکرم و لا تظروہ شیئا ولا علی کل شیء قیوہ» «اگر شما برای یاری بیرون نروید، الله سبحانه‌وتعالی شما را به عذاب دردناک دچار می‌سازد و گروهی دیگر را جایگزین شما خواهد کرد و شما هیچ زبانی به او نخواهید رساند و الله سبحانه‌وتعالی بر هر چیزی توانمند است». پس اگر سکوت کنید و از حاکمان پیروی نمایید، فرجام آن، عذاب دردناک و نابود شدن شما خواهد بود. پس خود را در آریین خود نجات دهید و به مصالح‌الدین ایوبی اقدام کنید؛ همان‌که در منتظر اجازت با حاکمان بزرگ و خائن نماند، بلکه آنان را کس زد و ارتش‌های اسلامی را برای آزادسازی سرزمین مبارک، فلسطین، دست ساخت.

امروز تنها مابع پیش روی شما، همین حاکمان مزدوری هستند که وقت را با بهانه‌ها و قریب تلف خواهند کرد؛ درحالی‌که مسلمانان در غزه نابود می‌شوند. مسئولیت شرعی شما این است که مسئله غصب‌شده اسلامی را از بازگرائید، با برپایی خلافت راشده، خلافتی که تنها غرض یکی از ارتش‌هایش برای توفیق این تجاوز و فشیانه‌گانی است و ما امروز شما را فرامی‌خواهیم، که نصرات خود را به حزب‌تحریر اعطا کنید، برای برپایی خلافت، به‌یچ‌بخش ناخبری؛ زیرا با برپایی آن، رژیم یهود و حامی‌اش، اسد کفر آمریکا، به لرزه خواهند افتاد؛ چراکه آنان به‌دعوی می‌دانند که خلیفه، ولی امر شرعی مسلمانان، آنان را به‌جرات نخواهد گذاشت.

ادامه : اهل غزه میان آتش اشغال و سنگرهای ستمگران...

آنجه نظام مصر انجام می‌دهد، اجرای مستقیم دستورات غرب استعمارگر است، همان غربی‌که از برخاستن غزه، یا آزادی فلسطین، یا حرکت امت برای آزادی اراضی دارد. ازاین‌رو، نوار غزه را به محاصره درآید، گذرگاه‌ها را بسته و گم‌ها را به بقعا برده است تا اراده پایداری درهم‌شکسته شود و مردم به پذیرش زشتان وادار شوند.

ای مردم مصر، ای فرزندان سرزمین گناتنه؛ آنچه به نام شما در مرزهای غزه رخ می‌دهد، تنگی است بر پیشانی‌تان‌که تاریخ آن را ثبت خواهد کرد. سوخت این ظلم نباشید و بر استفاده نظام از رنج برادرانتان سکوت نکنید؛ پرده از این خیانت کنار زنید.

ای مسلمانان! غزه را تنها نگذارید، رضایت ندهید که از نفغش سوا،استفاده شود و نپذیرید که السیسی و شرکایش نگهبان خون‌های شما باشند. تلاش کنید تا به امتی واحد بازگردید؛ امتی که به شریعت پروردگارش حکم می‌راند، سرزمین‌هایش را آزاد می‌سازد و مردمانش را یاری می‌دهد. غزه منتظر دلسوزی نیست، بلکه منتظر لشکری است که یاری‌اش دهد، آرزایش کند و قراعتش را بازگرداند.

ما به حزب‌تحریر راحل اساسی را راضی می‌دانیم، پیش روی شما می‌هیم، برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت، دولتی که مسلمانان را از اندوختی تا غریب متحد می‌سازد، مرزهای فوجی را به غرب ترسیم کرده از میان برمی‌دارد و فلسطین و همه سرزمین‌های اشغالی مسلمانان را آزاد می‌سازد. «و تَحْسِينُ الْبَلْغِ عَالِمًا بِمَا يَغْشَى الْقُلُوبُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيُؤْخَذَ مِنْهُمْ فِيمَا يُبْغِيهِمْ» «و گاه مگر که الله مسلمانان را تا آنجه ستمگران می‌کند غافل است؛ هماغان آن را تا روزی که دیدگان از شدت هراس خیره می‌ماند، مهلت می‌دهد».

ادامه : مذاکرات آمریکا و ایران در عمان...

۳-وواداشتن ایران به دست کشیدن از پروژه‌ها و ابزارهایش؛ چنان‌که ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری پیشین خود با قاسم سلیمانی را به قتل رساند، بدون اینکه ایران پاسخی واقعی بدهد، بدنه واکشی‌شعریف و از پیش‌توافق‌شده نشان داد. اکنون نیز ایران از بازخواهی خود در عراق و لبنان دست کشیده و بر مزدوران خود در عراق فشار وارد می‌کند تا به نیروها و پایگاه‌های آمریکا حمله نکنند و غزه را در برابر ماشین جنگی جایتنکار رها کرده و به ننگ راهبردی بسنده بگردند. آمریکا مشاهده کرده که رهبران ایران تا چه اندازه در خواری و زیونی فرو رفته‌اند، به‌دور از هرگونه فریاد و می‌هویی تبلیغاتی، درحالی‌که در تمام پرونده‌ها به آمریکا خدمت می‌کنند؛ نه از آرای مقام، بلکه فقط به امید آن‌که موردحمله قرار نگیرند و دست رژیم یهود علیه‌شان پا نشود. آنان آماده‌اند تا از برآمده ستاده‌های خود دست بکشند، چنان‌که کرده‌اند و خواهند کرد و آنچه شرکت‌های آمریکایی می‌خواهند سرمایه‌گذاری در اختیارشان قرار دهند، به‌ویژه پس‌ازآنکه شرکت‌های اروپایی به‌سبب تحریم‌های آمریکا در دوران پیشین ترامپ، از ایران بیرون رانده شدند و ایران از آن‌ها بی‌نیاز شد و دروازه‌ها برای شرکت‌های آمریکایی گشوده شد.

اما موضع رژیم یهود بسیار روشن بود؛ تانیاهو اکنون با واقعیتی جدید در کاخ سفید روبه‌روست؛ شخصی با ذهنیت تجاری و نه فردی ضعیف، روزنامه‌تأمیر اسرائیل درباره بهترین توافق برای یهودیان سخن گفت و در گزارش‌ای در دیوید هورویوتز نوشت که این توافق باید به‌طور دائمی مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود. وی افزود آنچه ترامپ با تانیاهو در سفر اخیرش به کاخ سفید انجام داد، «غافلگیرکننده» بود؛ چراکه پیشاپیش او را از قصد خود برای آغاز مذاکرات با ایران آگاه نکرد، بلکه او را در برابر واقعیتی انجام‌شده قرارداد و فوراً از او خواست بنشیند و حمایت خود از این تصمیم را اعلام کند.

در پایان- ایران سرمایه‌ای بزرگ برای امریکاست؛ آمریکا در عراق، افغانستان و شام آن را آرموده و ترامپ می‌خواهد ایران را در خدمت خود داشته باشد؛ چه آشکار، چه پنهان و چه در حالت آمادمایش و می‌خواهد ایران در مدار منافع آمریکا بچرخد، هرکجا که این منافع باشد. به‌نظر می‌رسد ایران برای این امر آمادگی دارد، اما نیاز دارد این روند را به‌شکلی اجرا کند که اندکی از آبروی ازست‌رفته‌اش را، اگر چیزی از باقی‌ماندش باشد، حقه کند.

هند قانون جدید اوقاف را تصویب می‌کند تا مسلمانان را از هویت و دارایی‌شان محروم سازد

بیانیه‌ای مطبوعاتی از سوی دفتر رسانه‌ای حزب‌تحریر در ولایت بنگلادش اعلام کرد؛ پیش‌نویس قانون جدید (اصلاح‌شده) اوقاف، گامی آشکار و تازه در مسیر تلاش نظام‌مند دولت هندوی هند (هندوتوا) برای به حاشیه راندن مسلمانان، و محو سنت‌های اصیل حکومت اسلامی در سرزمین هند است. در همین راستا، این دولت مسجد بابری را ویران کرد و بر ویرانه‌های آن معبدی بنا نمود؛ و مزار سلطان اورنگزیب را تخریب کرد؛ همچنین قانون اصلاح‌شده تابعیت و ثبت ملی جمعیت را وضع کرد و اکنون، پیش‌نویس قانون جدید اوقاف را به تصویب رسانده است.

در ادامه آمده است، این قانون، چیزی نیست جز حلقه‌ای تازه از زنجیر توطئه‌های قانونی که هدف آن تضعیف مسلمانان و محروم‌سازی آنان از امنیت اجتماعی و اقتصادی‌شان است، همان‌گونه که با قانون تابعیت اصلاح‌شده و ثبت ملی جمعیت نیز این هدف دنبال شد؛ قوانینی که در تلاش‌اند مسلمانان را به پناهندگانی بی‌تابعیت و بی‌سرزمین تبدیل کنند، دقیقاً همان‌گونه که رژیم یهود در فلسطین با مسلمانان رفتار می‌کند.

در این بیانیه آمده است، امروز امت نیازمند کسی است که واقف از او محافظت کند، که مرثیاً در گفتار رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «هنگام امام سوری است که از پشت او چنگیده می‌شود و مردم با او پناه می‌گیرند». اکنون، زمان آن فرا رسیده که گام‌های جدی برای برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت برداشته شود؛ خلافتی که نگهبان حقیقی امت اسلامی است و نیز کار با حزب‌تحریر که این پروژه عظیم را رهبری می‌کند. همچنین، دولت خلافت که به‌زودی به‌اذن الله سبحانه‌وتعالی تأسیس خواهد شد، ارتش‌های مسلمان را متحد خواهد ساخت و سرزمین‌های اشغالی را آزاد خواهد نمود؛ از فلسطین تا آراکان و تا رسیدن به هند، همان‌گونه که در بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم درباره غزوه هند آمده است.

بیاید مریخ باشیم؛ نظام مصر از خفا عمل نمی‌کند، بلکه دستورات اربابانش در واشنگتن و تل‌آویو را اجرا می‌نماید، آن‌راکه او را به‌عنون نگهبانی ایده‌آل برای دروازه‌ها یافتند؛ نگهبانی که از ورود سلاح جلودگرمی می‌کند، گم‌ها را به تأخیر می‌اندازد و حتی شرف‌ها را زیر نظر دارد. او شریک کامل در محاصره است، حتی اگر عیای می‌جایگری خیث را بر تن کرده باشد.

غزه میان پتک اشغال و سندان نظام‌های خائن؛

ای امت اسلام! آنچه در غزه رخ می‌دهد، تنها یک محاصره نیست، بلکه خیانتی تمام‌عیار است. کودکان غزه با موشک‌ها و بمب‌ها کشته می‌شوند و آن‌که جان بدر می‌برد، در گرسنگی رها می‌شود یا در مرزهای مصر مورد پاج‌خواهی قرار می‌گیرد. وای بر آن‌که خود را «بدر» می‌نامد، حال آنکه اموال آسیب‌دیدگان را در برابر نفسی از زندگی یا قرضی دارو غارت می‌کند.

گناه اهل غزه چیست؟ آیا آنان از شما نیستند؟ آیا غزه بخشی از سرزمین‌های مسلمانان نیست؟ آیا برداشتن محاصره از دوش آنان بر گردن شما واجب نیست؟ پس چرا تیراشارن مورد سوا،استفاده قرار می‌گیرد و با برنخاست تجارت می‌شود؟ آیا نباید گذرگاه‌ها به‌یچ‌فید و شربی بر رویشان گشوده شود؟ پس چرا درهای عبور به رویشان بسته می‌شود و تنها در برابر مشتکی دلد گشوده می‌شود؟

بی‌تردید این فاجعه یکی از نودهای نظام سرمایه‌داری است؛ نظامی که برای انسان ارزش چیز آنچه در اختیار دارد اقل نیع اهل نظام، نه برای خون حرمتی هست، نه برای ناموس ارزشی و نه برای فقیر کرامتی. دولت‌ها در آن بجای خدمت به مردم در خدمت شرکت‌ها هستند؛ مرزها برای پرداخت‌کننده باز می‌شود و بر روی مظلوم بسته می‌ماند.

۳-دلائل سیاسی که عیار‌ت‌اند از:

۱- نیاز آمریکا به نقش ایران، دیگر مانند سال ۲۰۱۵ وجود ندارد؛ وضعیت بشار اسد اکنون به نفع اوست و این موجب نگاه متفاوتی در دولت ترامپ شد، به‌ویژه با توجه به آنچه آمریکا در عراق و سوریه علیه مردم این کشورها که در پی آزادی بودند، به‌دست آورده است. دیگر نیاز به دادن نقش محوری مستقیم به ایران وجود نداشت و اوضاع تغییر کرده بود.

۲- بزرگ‌شمایی دشمنی آمریکا با ایران، به‌ویژه در برابر عربستان؛ دشمنی مشابه تا این دشمنی جایگزین دشمنی با رژیم یهود گردد.

۳- تأدیب اروپا، به‌ویژه از نظر تجاری، زیرا اروپا با استفاده از توافق، به‌مسوی گشایش اقتصادی با ایران رفت و روابط تجاری‌اش با آمریکا را کاهش داد. در پاسخ به سوالاتی که حزب‌تحریر در تاریخ ۱۳/۰۵/۲۰۱۸ تحت عنوان «خروج ترامپ از توافق هسته‌ای» صادر کرد، آمده است: «آریا درک کرد که لغو توافق، ضرر تجاری بزرگی برایش به همراه دارد که زمینه‌ساز زیان سیاسی نیز هست، ازاین‌رو نهایت تلاش خود را برای متقاعد ساختن ترامپ به مرفع‌نظر و اعلام کردند که بر پایبندی به توافق هسته‌ای با ایران اصرار دارند. وزیر خارجه بریتانیا، جانسون، نیز به آمریکا سفر کرد و اعلام نمود که جهان با وجود این توافق، امت‌نر است تا بدون آن، بریتانیا شروع به تحرک جدی‌کرد، پس ترامپ تصمیم گرفت اعلام موضع خود درباره توافق را از ۱۲ مه به جلو بیندازد»

راه را بر تحرکات اروپا ببندد و اعلام‌یه خود را صادر کرد، بی‌آنکه هیچ اعتباری برای اروپایی‌ها قائل شود؛ چراکه نهادهای آمریکایی سه دلیل یادشده را ادلیلی قاطع برای منافع آمریکا در لغو توافق دانستند».

پس از بررسی‌های یادشده درمی‌یابیم که چرا ترامپ اکنون به مذاکرات با ایران بازگشته است؛ او اهدافی را دنبال می‌کند:

۱-ثبت دستبایی به پیروزی به نام خود و توسط خودش.

۲-محدود کردن نقش ایران پس‌ازآنکه شرایط سیاسی منطقه تغییر کرده و نیروهای دیگری نقش‌هایی را در خدمت منافع آمریکا ایفا کرده‌اند.

چگونه باید با تجاوزات رژیم یهود در مر حله کنونی مقابله کرد؟

استاد عبد الحمید عبد الحمید

آیا نظام بین‌المللی‌ای که به آن تکیه کرده‌ایم، به ما اجازه خواهد داد که چنین ارتش نیرومندی بسازیم؟ درحالی‌که همین نظام، از بدو تأسیس رژیم یهود تاکنون، وظیفه حمایت و پشتیبانی از آن را برعهده داشته است؟!

ما بر این باوریم که در شرایط نبود ارتشی نیرومند، مدرن و پیشرفته و با یقین به این‌که رژیم یهود، در درجه نخست و سپس نظام جهانی، حتی با گذشت زمان طولانی، اجازه تشکیل چنین ارتشی را به ما نخواهند داد و با باور به خطر فرورفتن در آشوش رژیم ترکیه، رژیمی که حتی در رویارویی با قسد نیز جرات اقدام نداشت با چراغ سبز آمریکا، چه رسد به آن‌که بدون اجازه آمریکا درگیر رویارویی با یهود شود، در چنین وضعیتی و در برابر خطری بزرگ همانند خطر یهود در این مرحله، اقدام درست آن است که ده‌ها گروه جهادی فعال شوند و در جهت جنوب گسترش یابند و مناطق مجاور مرزهای رژیم یهود را پوشش دهند و عملیات نظامی لازم را چه به‌مورت دفاعی و چه هجومی انجام دهند، بر اساس اصل جنگ چریکی که پیش‌تر نیز باعث سرنگونی نظام در دمشق شد، پیش از آن‌که نیروهای منظم شمال به آتیا برسند و دیدیم که چگونه این شیوه در فلسطین نیز کارساز بود و ارتش جایتنکار رژیم را به ستوه آورد.

در شرایطی که ما ارتشی قوی و منظم در اختیار نداریم و نظام جهانی اجازه تشکیل آن را نخواهد داد و بی‌اعتمادی به توانایی رژیم ترکیه در عبور از خطوط فرمز آمریکا در خصوص درگیری نظامی با یهود برای دفاع از دمشق، چاره فوری برای محافظت از دمشق در برابر خطر اشغال، چیزی جز فعال‌سازی جنگ چریکی در جنوب نیست؛ جنگی مبتنی بر حمله و عقب‌نشینی، در مرزهای رژیم یهود. این شیوه، روشی عملی، دفاعی‌هجومی و آرموده‌شده است که در فرسودن ارتش‌های نیرومند دنیا کارآمدی خود را اثبات کرده و آن‌ها را به خود مشغول می‌سازد تا به فکر حمله، گسترش و اشغال بینند.

پس ای انقلابیون شام و ای مجاهدانی که به پیروزی انقلابیان دل بسته‌اید، ما انقلاب کردیم و رویارویی با رژیم جایتنکار را به تعویق نینداختیم، آن‌گونه که پدرانمان آن را به ما وانهادند؛ بلکه بر آن شوریدیم و تنها به فضل‌الله سبحانه‌تعالی، آن را سرنگون ساختیم. پس آیا شایسته است که امروز از شرف رویارویی تاریخی با یهود که بر ما تحمیل‌شده، دست بکشیم و آرداسازی مسجدالاقصی شریف و سراسر فلسطین را به تأخیر بیندازیم یا آن را به فرزندانمان واگذار کنیم؟ بی‌تردید ما به پیروزی و چریکی بر یهود وعده داده‌شده‌ایم و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم ما را این بشارت داده‌اند، آن‌گاه‌که فرمودند: «یهود با شما خواهند جنگید و شما بر آنان چیره خواهید شد تا جایی که سنگ خواهد گفت: ای مسلمان! این یهودی دجابت من است، او را بکش، پس بجای خیزید برای پاسداری از حریم‌ها، دفاع از نواایس، آرداسازی مقدسات و یاروسرسانی به مستضعفان؛ که ما شایسته‌ترین مردمان برای دست یافتن به این افتخار بزرگ هستیم.

نظام قرقیزستان پشت اداره دینی پنهان می‌شود



رئیس‌جمهور قرقیزستان، صدر جباروف، در تاریخ ۵ آوریل اعلام کرد که کار روشنگری برای زنان مسلمانان که نقاب بر رقع بپنن دارند، در حال انجام است و تاکیع نمود که زنان مسلمان مجبیه نباید صورت خود را بپوشانند، او، درح این ماده در قانون بر اساس تصمیم هیئت علمای دینی اتخاذ‌شده است، بلافاصله پس از پایان سخنرانی رئیس‌جمهور، دفتر مطبوعاتی اداره دینی مسلمانان قرقیزستان بیانیه‌ای صادر کرد که آن آمده است، پوشیدن نقاب و برقع در اسلام واجب نیست و اگر زنی آن را بپکار نبرد، گناهکار نخواهد بود.

در همین راستا، دفتر رسانه‌ای حزب‌تحریر در قرقیزستان در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد که توجیهات رئیس‌جمهور و دفاع مفتی از او، مرتبط با یورش‌های اخیر نیروهای کمیته دولتی امنیت ملی است که بر پایه قانون «آزادی دین و سازمان‌های دینی»، علیه خواهران مجبیه ما در شهر جلال‌آباد و منطقه سوزاک صورت گرفته است، یورش‌هایی که پس از اعتراض اکثریت مردم به این اقدامات، انجام شد. بنابین‌وجود، این حملات همچنان در شهر اوش ادامه دارد و نیروهای اجرای قانون، خواهران مسلمان را به تهدید می‌کنند که پوشیدن نقاب در اماکن عمومی منجر به جریمه‌ای معادل ۲۰ هزار سوم خواهد شد.

بیانیه در ادامه می‌افزاید: از این‌رو، ما اداره دینی مسلمانان قرقیزستان و هیئت علما که نمایندگان مسلمانان هستند را مورد خطاب قرار می‌دهیم؛ برحذر باشید از آن‌که قربانی بازی‌های پلید نظام شود؛ و مبدا و زندگی دنیا را به پهای آخرت بخربید؛ بلکه برای نیل به سعادت اخروی و کسب رضای الله سبحانه‌وتعالی کارکنید. مسلمانان شرعی، همان‌گونه که در بیانیه شما نیز آمده است، نباید نیز با دلایل روشن موردتج قرار گیرند؛ اما این دلایل، نباید بهانه‌ای شوند برای هموار ساختن راه اجرای فعالیت‌های پلید نظام، بلکه شریعت اسلامی اقتضا دارد که هر قانونی در کشور، بر اساس آن استوار باشد.

پس از موفقیت انقلاب شام در سرنگونی طاغوت، سوریه با مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی متعددی مواجه است؛ اما مهم‌ترین معضلی که بر آن روبه‌روست، هم‌جواری با رژیم غاصب یهود است. رژیمی که از زمان سقوط طاغوت، به‌طور مداوم مواضع نظامی سوریه را هدف قرار داده، از خط جداسازی نیروها که در سال ۱۹۷۴ ترسیم‌شده بود عبور کرده و قلعه استراتژیک جبل‌الشیخ که به‌طور مستقیم بر دمشق مشرف است را اشغال نموده است. همچنین خودروهای نظامی‌اش هر زمان که اراده کند، به داخل اراضی، روستاها و شهرک‌های مرزی نفوذ می‌کنند. فرماندهان آن، تهدید می‌کنند، عریهه می‌کشند و ادعای حمایت از مردم سویدا، دارند، درحالی‌که حکومت دمشق در برابر این تجاوزات، جز برخی بیانیه‌های محکومیتی و استماد از نظام بین‌المللی برای اتخاذ موضع، واکنشی عملی نشان نمی‌دهد.

آیا یهودیان با این اقدامات در پی بازگرداندن بخشی از حیثیتی هستند که در باتلاق غزه نابود شد، در برابر شجاعت مجاهدان و ایستادگی اسبوره‌ای مردمش؟! آیا ممکن است بدون غنط‌طلبی توحالی آنان، به‌ویژه در سایه ضعف مشهود دولت سوریه، آنان را به سمت اشغال جنوب سوریه و حتی حرکت به‌سوی دمشق و اشغال آن سوق دهد؟! آیا چنین چیزی را از قاتلان پیامبران و طمع‌ورزان توسعه‌طلب که از دیرباز رویای رسیدن به فترت را در سر داشته‌اند، بعید می‌دانیم؟! چگونه باید توافقی دولت سوریه با رژیم ترکیه را درباره فرستادن کارشناسان نظامی ترک برای آموزش ارتش جدید سوریه و تأسیس پایگاه نظامی حاکمیتی ترکیه در مرکز کشور فهم کرد؟! آیا این اقدام، تلاشی است برای جلوگیری از فکر اشغال دمشق توسط یهود از طریق تهدید آنان به درگیری مستقیم با ارتش و دولت ترکیه؟!

می‌گویم: اگر واقعا این همان چیزی است که رژیم یهود به آن می‌اندیشد و برایش برنامه‌ریزی می‌کند، آن یهود به فعلی مسئولان اداره کنونی دمشق که سرباهای خود را همچون شترمرغ در شن فروبرده‌اند و گویا آنچه در جنوب از بمباران، قتل، نفوذ و اشغال رخ می‌دهد، به آنان ربطی ندارد، درست است؟! سراسر سرگرم ساخت ارتشی دواطلبانه (حرف‌های) هستند که نقش آن در نقش ارتش لبنان فراتر نخواهد رفت و یهود را به رژیم ترکیه، عضو تاقو تهدید می‌کنند و به آن اجازه می‌دهند که پایگاه‌هایی بسازد با این امید که روزی وارد جنگی مسلحانه با رژیم یهود شود و در صورت لزوم برای دفاع از دمشق وارد عمل گردد! می‌پرسم: آیا صحیح است که حکومت فعلی به رژیم ترکیه تکیه کند و فجایع چهارده‌ساله قتل و جنایت رژیم بشار علیه مردم ما که در برابر چشم ارتش و دولت ترکیه رخ داد، فراموش نماید؟! درحالی‌که چیزی جز چادر، غذا، کفن و گاه تیراندازی به پناهجویان در مرز از آنان ندیدیم؟! و اگر قسد داریم زمان کافی صرف ساخت ارتشی قدرتمند کنیم تا از کشور در برابر تجاوزها محافظت نماید، این مشخص نیست که یهود با بمباران‌های پیاپی هرگونه اقدام احتمالی در جنوب را هدف قرار می‌دهد تا از بروز چنین حرکتی جلوگیری کند؟!

بریتانیا اجلاس درباره سودان برگزار می کند بدون آن که دولت حکومت سودان را دعوت کند

استاد عبد الخالق عبدون علی

وبسایت «سودان تریبیون» در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۵ گزارش داد که اتحادیه اروپا اعلام کرده است که به‌همراه بریتانیا و شماری دیگر از کشورها، قصد دارد اجلاس سطح بالا درباره بحران سودان در لندن برگزار کند. کاهش میزان تأمین مالی برای طرح پاسخ‌گویی انسانی‌که هدف آن جمع‌آوری ۴.۲ میلیارد دلار برای کمک به ۲۰.۹ میلیون سودانی از آسیب‌پذیرترین افشار است، نگرانی‌هایی را درباره فروپاشی عملیات امدادرسانی در پی گسترده‌تر شدن بحران برکنش‌های برانگیخته است. اداره کل حفاظت مدنی اروپا و عملیات کمک‌های انسان‌دوستانه، در بیانیه‌ای اعلام کرد که «اتحادیه اروپا، بریتانیا، فرانسه و آلمان، میزان اجلاس سطح بالا درباره بحران سودان خواهند بود» در این بیانیه آمده که اجلاس مذکور قرار است در تاریخ ۱۵ آوریل جاری برگزار شود. در ادامه این بیانیه آمده است که این نشست با هدف بررسی راهکارهایی برای تأمین کمک‌های ضروری امن برای امدادگران، محموله‌ها و غیرنظامیان از طریق خطوط تماس یا خطوط مقدم، همچنین حفاظت از زیرساخت‌ها، رفع موانع بورکرتیک و کسب تعهداتی در زمینه ارائه خدمات حفاظتی برگزار خواهد شد. همچنین تأکید شده است که شرکت‌کنندگان در این کنفرانس بر تعهد جمعی خود به پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی مردم سودان تأکید کرده‌اند.

آنان همچنین از طرف‌های درگیر خواسته‌اند که از غیرنظامیان، زیرساخت‌های شهری و تأسیسات درمانی توقف کرده، مانع از رسیدن کمک‌های امدادی به نیازمندان شوند و خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت را ممنوع اعلام نمایند. این نشست همچنین خواستار توقف اقدامات خصمانه و احترام به تعهداتی شد که در اعلامیه جده آمده است؛ اعلامیه‌ای که توسط ارتش و نیروهای پشتیبانی سریع در تاریخ ۱۱ مه ۲۰۲۳ به امضا رسیده. در حال حاضر، ۳۰.۴ میلیون سودانی یعنی حدود ۶۴٪ از جمعیت، در شرایطی به کمک‌های انسانی نیاز دارند که نرخ بیماری بالا رفته و امکان اشتغال بسیار کم شده است. اروپا از برگزاری این‌گونه اجلاس‌ها هسته نمی‌شود؛ چراکه آن‌ها را به‌عنوان یکی از ابزارهای استعمار برای تحکیم نفوذ خود یا دستیابی به منافع‌شان، مانند تثبیت جای پا در سودان، به‌کار می‌گیرد. انتخابیه اروپا در تاریخ ۱۳ مارس گذشته، سومین نشست مقام‌های عالی‌رتبه امدادرسان در درباره سودان برگزار کرد که در آن، کمک‌کنندگان مالی، آژانس‌های سازمان ملل، ملیب سرخ، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و تیم‌های واکنش مسلح حضور داشتند. همچنین در آوریل ۲۰۲۴ نیز اجلاس دیگر برگزار شد.

در همین راستا، وبسایت دیپلماسی فرانسه در آوریل ۲۰۲۴ گزارش داد که فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا کنفرانس بین‌المللی بشردوستانه برای سودان و کشورهای همسایه آن در پاریس برگزار کرده‌اند؛ اجلاس که یک سال پس از آغاز درگیری در سودان برگزار شد. این ابتکار تحت عنوان «تیم اروپا» در ادامه مسیر دو کنفرانس برگزارشده توسط آلمان در سال ۲۰۲۰ و فرانسه در سال ۲۰۲۱ است که با هدف حمایت از دوره انتقالی سودان برگزار شدند. همچنین کنفرانس اعلام تعهدات برای سودان که در ژوئن در ژوئن ۲۰۲۳ به برگزار شد و نیز دو نشست سطح بالا در این روند جای دارند.

این کنفرانس، وزرا و نمایندگان از ۵۸ کشور را گرد هم آورد. کشورهای که شامل کشورهای همسایه، کشورهای منطقه، نهادهای کمک‌رسان و نمایندگان از سازمان‌های منطقه‌ای بودند؛ از جمله اتحادیه آفریقا، سازمان بین‌المللی توسعه (ایکاد) و اتحادیه عرب.

اخراج مهاجران افغان توسط پاکستان، فساد مفهوم ملی‌گرایی را تأیید می کند



صدها هزار تن از افغان‌هایی که دهه‌ها در پاکستان زندگی کرده‌اند، اکنون با اخراج از کشور مواجه هستند، از سپتامبر ۲۰۲۳، یک کمپین سازمان‌یافته منجر به اخراج حدود ۸۵۰۰۰۰ افغان شده است.

تعلیق: بسیاری از این افغان‌هایی که اکنون با اخراج مواجه هستند یا پیش‌تر از کشور بیرون رانده‌شده‌اند، از دهه ۹۰ میلادی در پاکستان زندگی می‌کنند؛ پس از آن‌که از تجاوز شوروی به افغانستان گریختند؛ بنابراین، اکنون ناچار شده‌اند سرزمینی را ترک کنند که دهه‌ها خانه‌شان بوده است؛ جایی‌که در آن زندگی خود را بنا کردند، ازدواج کردند، فرزند آوردند، کسب‌وکار را انداختند و خانه ساختند.

این ظلم بزرگ و خواریدادن به مسلمانان تنها به‌خاطر سرزمین مادری‌شان، بازمی‌گردد به مفهوم فاسد ملی‌گرایی که از سوی دولت‌های استعمارگر غربی به سرزمین‌های اسلامی صادر شد، برای تجزیه و تضعیف مسلمانان تا سلطه بر آنان را آسان کند. سپس این مفهوم در نظام‌هایی که امروز گریبان‌گیر سرزمین‌های اسلامی هستند، نهادینه شد. این نظام‌های ملی‌گرا، برادران مسلمان خود را بیگانه، مهاجر غیرقانونی یا دشمنان دولت معرفی می‌کنند. تنها به این دلیل که از سرزمینی متفاوت آمده‌اند؛ به آن‌که دین‌شان یکی است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «راهبش کنید، چرا که تعفن‌زا است» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «از ما نیست کسی که به تعصب فرابخواد و از ما نیست کسی که بر تعصب بگریزد.» و الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، «همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «هیچ‌یک از شما ایمان نمی‌آورد تا آن‌که برای برادرش آن بخواهد که برای خودش می‌خواهد.» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «مسلمان، برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند، نه رهایش می‌سازد و نه او را خوار می‌دارد».

همچنین فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل به سودان و سران شماری از برنامه‌ها و نهادهای وابسته به سازمان ملل و نمایندگانی از آن‌ها نیز حضور داشتند؛ به‌ویژه دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان ملل، کمیساریای عالی امور پناهندگان، سازمان جهانی بهداشت، برنامه توسعه سازمان ملل، سازمان بین‌المللی مهاجرت و صندوق جمعیت سازمان ملل. در این کنفرانس، همچنین رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نمایندگان از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، بانک عرب توسعه اقتصادی آفریقا و حدود پنجاه سازمان غیردولتی بین‌المللی و سودانی مشارکت داشتند. شرکت‌کنندگان در این نشست گرد آمده‌ند تا به اهداف مشترکی دست یابند، از جمله دعوت از طرفین درگیر در سودان برای توقف درگیری‌ها، پایبندی به قوانین بین‌المللی انسانی و تضمین دسترسی کمک‌های بشردوستانه.

اروپا و به‌ویژه بریتانیا، تلاش می‌کند تا نفوذ خود را در سودان بازگرداند؛ پس از آن‌که آمریکا توانست به‌تنبهایی هیبت و سلطه خود را در سودان تحصیل کند و همه کلیدهای بازی را به دست گیرد. بااین‌حال، اروپا از این هدف ناامید نیست، چراکه به‌خوبی می‌داند که پرونده سودان تماماً در دست آمریکاست؛ همان‌که این جنگ را شعلهور ساخت و تنها کسی است که می‌تواند آن را از طریق عوامل خود، یعنی دو ژنرال عبدالفتاح البرهان و محمد حمدان دقلو (حمیدتی)، متوقف سازد. تمام این نشست‌ها و اظهارات اروپایی‌ها و نهادهای (انسان‌دوستانه)، چیزی نیست جز تلاشی برای ورود به صحنه سیاسی و اعلام حضور. اروپا، کارنامه‌ای آکنده از جلیت دارد و هیچ ارتش‌ایی با انسایت ندارد و این شک‌هایی که هزارگامی میریزد، چیزی جز آشک تمساح نیست.

اظهاراتی که درباره گذرگاه‌های امن، رساندن کمک به آسیب‌دیدگان، جمع‌آوری بودجه برای کمک به مردم سودان، سخن از بیگاری، بازسازی و اوضاع فاجعه‌بار می‌زند، چیزی نیست جز تلاش‌هایی باثرو و ناپایانده برای ورود به صحنه‌ای که آمریکا با راه‌اندازی این جنگ، آن‌ها را از آن بیرون رانده است.

واقعاً تاسف‌برانگیز است که کشوری مانند سودان، به میدان رقابت آمریکا و اروپا تبدیل شود و تاسف‌ناپذیر است که همه این‌ها از طریق مزدورانی از میان خود ما صورت می‌گیرد؛ کسانی که خود و مردمشان را تسلیم استعمارگر کرده‌اند تا کشور را به میدان تاخت‌ونشان و ویرانی تبدیل کند. نمونه آن، همین جنگ ناپاک و بیهوده است که در آن هزاران نفر از میان رفتند، کسانی که نه شتر و نه بهره‌ای در آن داشتند. جنگی که در آن تمامی خدایات‌ها صورت گرفت؛ قتل، تجاوز، آوارگی، غارت و تخریب دارایی‌ها.

این اتفاقات نمی‌توانست رخ دهد مگر به‌واسطه وجود حاکمان مزدور، خاضع در برابر اربابان خود که کشور را تمام‌قد در برابر ایشان گشودند تا میدان رقابت و درگیری شود. هیچ راه رهایی و نجاتی برای مردم سودان نیست، جز بازگشت به احکام اسلام و بیعت با خلیفه‌ای که بر پایه کتاب الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در میان رعیت حکومت کند، امت را رهبری کرده و آن را به شکوه سابقش بازگرداند. «بقی‌ل هذا فیقعلل العالمون» «برای چنین چیزی، باید تلاش‌کنندگان تلاش کنند».



صدها هزار تن از افغان‌هایی که دهه‌ها در پاکستان زندگی کرده‌اند، اکنون با اخراج از کشور مواجه هستند، از سپتامبر ۲۰۲۳، یک کمپین سازمان‌یافته منجر به اخراج حدود ۸۵۰۰۰۰ افغان شده است.

تعلیق: بسیاری از این افغان‌هایی که اکنون با اخراج مواجه هستند یا پیش‌تر از کشور بیرون رانده‌شده‌اند، از دهه ۹۰ میلادی در پاکستان زندگی می‌کنند؛ پس از آن‌که از تجاوز شوروی به افغانستان گریختند؛ بنابراین، اکنون ناچار شده‌اند سرزمینی را ترک کنند که دهه‌ها خانه‌شان بوده است؛ جایی‌که در آن زندگی خود را بنا کردند، ازدواج کردند، فرزند آوردند، کسب‌وکار را انداختند و خانه ساختند.

این ظلم بزرگ و خواریدادن به مسلمانان تنها به‌خاطر سرزمین مادری‌شان، بازمی‌گردد به مفهوم فاسد ملی‌گرایی که از سوی دولت‌های استعمارگر غربی به سرزمین‌های اسلامی صادر شد، برای تجزیه و تضعیف مسلمانان تا سلطه بر آنان را آسان کند. سپس این مفهوم در نظام‌هایی که امروز گریبان‌گیر سرزمین‌های اسلامی هستند، نهادینه شد. این نظام‌های ملی‌گرا، برادران مسلمان خود را بیگانه، مهاجر غیرقانونی یا دشمنان دولت معرفی می‌کنند. تنها به این دلیل که از سرزمینی متفاوت آمده‌اند؛ به آن‌که دین‌شان یکی است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «راهبش کنید، چرا که تعفن‌زا است» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «از ما نیست کسی که به تعصب فرابخواد و از ما نیست کسی که بر تعصب بگریزد.» و الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، «همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «هیچ‌یک از شما ایمان نمی‌آورد تا آن‌که برای برادرش آن بخواهد که برای خودش می‌خواهد.» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «مسلمان، برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند، نه رهایش می‌سازد و نه او را خوار می‌دارد».

الجزایر و منطقه مغرب اسلامی در مرکز طوفان استعمار آمریکایی

استاد مناجی محمد

منطقه مغرب اسلامی نخستین برخورد میان استعمارگر جدید یعنی آمریکا و استعمارگر قدیم اروپا را پس از جنگ جهانی دوم و خروج آمریکا از آنزوا تجربه کرد.

آمریکا در اوایل دهه ۶۰ میلادی، موفق شد مغرب و الجزایر را از دست استعمار بریتانیا جدا کند؛ اما این وضع دیری نپایید و بریتانیا بار دیگر نفوذ خود را در این دو کشور بازیافت. پس‌ازآن، آمریکا تلاش کرد از طریق کودتاهایی که در مغرب رخ داد به نفوذ برسد، ولی ناکام ماند. سپس مسئله مصرای غربی را پدید آورد و به‌کار گرفت تا به نفوذ دست یابد و همچنین از تحرکات مردمی اخیر در الجزایر بهره‌برداری کرد و برخی جنبش‌ها را در این مسیر به‌کار گرفت. تا آن‌که خیزش موسوم به «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱ رخ داد و پیامدهای آن، بر استعمار بریتانیا در لیبی اثر گذاشت و با آن، استعمار آمریکا بار دیگر به غرب جهان اسلام رسید؛ پی آن، طمع آمریکا برای استعمار فزونی گرفت و راهبرد آن به‌مراحت برکنار زدن استعمار اروپا و پاکسازی میراث آن متمرکز شد.

در سال‌های اخیر، توافقات‌نامه‌های امنیتی و نظامی و مانورهای میدانی نظامی با مغرب و تونس فزونی گرفت. آمریکا نیز فرماندهی افریقایی خود موسوم به «آفریکوم»، را به‌عنوان ابزار نظامی استعماری و بازوی ضربتی خود برای نفوذ به منطقه مغرب اسلامی قرار داد. امروز نوبت الجزایر رسیده است؛ این کشور در مرکز طوفان استعمار آمریکایی قرارگرفته است، به‌ویژه در پرتو تحولات چند سال اخیر در عرصه‌های استعماری و بین‌المللی که اهمیت ژئواستراتژیک الجزایر را برای آمریکا برجسته ساخته است.

در سطح صحنه استعماری، آمریکا به لیبی نفوذ کرده و اکنون از سمت شرق به دروازه‌های الجزایر نزدیک شده است (نوار مرزی میان الجزایر و لیبی حدود هزار کیلومتر امتداد دارد). خطرناک‌تر اما منطقه جنوبی الجزایر است، یعنی منطقه ساحل (مالی، نیجر) که استعمارگر آمریکایی جای استعمارگر فرانسوی را در آن گرفته است. در اینجا تهدید واقعی برای الجزایر وجود دارد: حوزه‌های نفتی در جنوب و پرونده تروریسم که آمریکا به‌خوبی در بهره‌برداری و استفاده از آن تبحر دارد. تمام این عوامل باعث می‌شود الجزایر در مرکز طوفان استعمار آمریکا قرار گیرد.

در سطح بین‌المللی نیز، بحران انرژی ناشی از جنگ روسیه و اوکراین، نگاه اروپا را به سمت الجزایر به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی و جایگزین انرژی به‌جای روسیه سوق داده است و چون انرژی، سلاح راهبردی آمریکا است، آن را با قدرت در دست دارد، علاقه‌مندی‌اش به الجزایر و ذخایر عظیم انرژی آن بیشتر شده تا در اروپا را در این زمینه کند. در تاریخ ۲۳ مه گذشته، شرکت «سوناتراک» در الجزایر، توافق‌نامه اولیه‌ای با شرکت نفت و گاز آمریکایی «اکسون‌موبیل» امضا کرد. همچنین آژانس الجزایری بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری «نفت»، در ژانویه گذشته با شرکت آمریکایی «شورون» توافق‌نامه‌ای برای انجام مطالعه درباره «فرزیت منابع هیدروکربوری در مناطق دریایی الجزایر» امضا کرد؛ توافق‌نامه‌ای به‌مدت دو سال در قالب مشارکتی در این زمینه ادامه خواهد داشت. همچنین شرکت سوناتراک، در اکتبر ۲۰۲۴، توافق‌نامه اصولی‌ای با شریک آمریکایی خود، شرکت «اوکسیدیتال پترولیوم کوپوریشن» (اوکسی)، در حوزه اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی امضا کرد و این روند توافق‌نامه‌های میان الجزایر و آمریکا در حوزه انرژی، رو به فزونی گذاشت است.

قطر و امارات شانه‌به‌شانه با رژیم یهود در رزمایش نظامی!

در روز دوشنبه، ۳۱ مارس ۲۰۲۵، در پایگاه هوایی «آندرافیدا»، واقع در یونان، رزمایش هوایی چندملیتی با عنوان «اینیوخوس ۲۰۲۵» آغاز شد که در، قطر و امارات در کنار رژیم یهود و آمریکا شرکت کردند. این تمرینات که تا ۱۱ آوریل جاری ادامه داشت، به‌عنوان فرصتی برای تقویت شرکات‌های راهبردی میان کشورهای شرکت‌کننده تلقی می‌شد.

تعلیق: در زمانیکه دستان و دندان‌های رژیم غاصب یهود از خون مردم غزه آغشته‌اند و این رژیم در حال اجرای یک جنگ نسل‌کشی وحشیانه علیه آنان است، سفیهران قطر و امارات می‌آیند و در رزمایش‌هایی شرکت می‌کنند که هدفشان تقویت همکاری‌های مشترک و افزایش توانمندی‌های رزمی متقابل است؛ به‌یج شرم و حیای، گویی می‌خواهند یهودیان را در قدرت و وقاحت یاری دهند تا بیشتر و بیشتر در خون مردم غزه فروروند.

همچیمانی حاکمان سفیه حاکم بر کشورهای مسلمان با یهود و غرب، دیگر بر کسی پوشیده نیست. جنگ رژیم یهود علیه غزه، تاریک برای هر بیننده‌ای آشکار ساخت که دیدن پایان یهود و غرب در زمین‌های ما هستند و اگر آنان نبودند، غزه برای یک سال و نیم، هر میبح و شام، این‌گونه به قربانگاه سپرده نمی‌شد. آنان هستند که عوامل بقا و پایداری رژیم یهود را فراهم می‌سازند و امت و ارتش‌های آن را از یاری برادران‌شان و پایان‌دادن به این فاجعه، بازمی‌دارند.

از حقیقت درخشانی که دیگر از دید هیچ چشمی پنهان نیست این است که راهی است و نجات آن از توطئه‌های دشمنان، تنها در راهی‌ای از این حاکمان نهفته است و در برپایی خلافت راشد دوم به منتهج نبوت، بر ویرانه‌های تاج‌وتخت آنان وگرنه، امت همچنان در زیر فشار کافران، در آتش آن‌ها و در میان ظلم و سفاقت حاکمان خود، در رنج خواهد ماند.

آمریکا در پی تسلط بر بخش انرژی در الجزایر است تا کنترل خود را بر اروپای فقیر از حیث انرژی محکم‌تر کند و راه را بر روسیه و چین ببندد.

از سوی دیگر، منطقه جنوب مصر را ناحیه ساحل در جنوب الجزایر و نوار مرزی‌اش با مالی و نیجر به طول تقریبی ۱۷۰۰ کیلومتر، به پایگاه اصلی استعمار آمریکا در غرب آفریقا تبدیل‌شده؛ منطقه‌ای که استعمار فرانسوی از آن رانده شد. آمریکا امروز در پی آن است که این منطقه را با کثرتین هزینه‌های استعماری اداره کند تا بیشترین سود استعماری خالص را به‌دست آورد. نگاه آمریکا به الجزایر است به‌عنوان دروازه ورودی به ناحیه ساحل، برای پاسداری از مستعمرات جدیدش و این کار را از طریق به‌حرکت در آوردن ابزار «مبارزه با تروریسم» و نیز استفاده از نفوذ دولت الجزایر در قوم طوارق انجام می‌دهد؛ همان‌گونه که آمریکا از رژیم حاکم در مغرب نیز برای همین نقش استفاده می‌کند، به توجیه به روابط آن با مراکز نفوذ در آن کشورها، از خائفاه (نهادهای دینی موفقیه) گرفته تا نظامیان، سیاست‌مداران و حتی جنبه‌جوش اقتصادی‌ای که به‌تازگی فعال‌شده است.

چشم‌انداز راهبردی آمریکا در خصوص الجزایر، توفیق‌دهنده این تغییرات اخیر و شتاب در اضمای توافقات‌نامه‌های میان آمریکا و دولت تبون در الجزایر است. این جهت‌گیری را می‌توان در توافق‌نامه‌ای دید که اخیراً ژنرال «مایکل لنگلی»، فرمانده نیروهای «آفریکوم» در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵، پس از دیدار با رئیس‌جمهور تبون و رئیس ستاد کل ارتش الجزایر، تیم اول سعید شقریقه، به امضا رساند. با در سخنان اخیر سفیر الجزایر در واشنگتن که گفت: «سقف ما در همکاری با آمریکا، آسمان است»، همچنین در گفت‌وگوهای اخیر میان وزیر امور خارجه آمریکا، مارکو روبیو و همتای اروپا‌ش احد عساف، برای «تقویت شرکات مستحکم میان دو کشور»، اما نگاه نظام الجزایر به رابطه با آمریکا، بخشی از دیدگاه بریتانیاست؛ قدرتی که اکنون نفوذ استعمار در الجزایر دارد. این نگاه بخشی از راهبرد استعماری بریتانیاست برای تأمین برخی منافع آمریکا با هدف حفظ نفوذ خود در مستعمراتش و مقابله با یورش استعماری آمریکا به میدان نفوذش. دولت تبون، پس‌ازآن‌که از سوی شرق و جنوب در چنگال استعمار آمریکا قرار گرفت، امروز همانند همتای خود در مغرب، نقش استعماری را ایفا می‌کند؛ یعنی تأمین منافع آمریکا و گره‌زدن منافع سرمایه‌داری آمریکا با نظام الجزایر. همین امر ایجاب می‌کند که آمریکا برای تضمین منافع خود، ثبات حکومت در الجزایر و در نتیجه حفظ نفوذ استعماری بریتانیا در این کشور را نیز تأمین کند.

اما آمریکا مقتصد است که دوران استعمار اروپا به سر آمده و آن، بهره‌کشی خود را به پایان رسانده است و اکنون باید آن را جاروب کرد. چشم آمریکا بر نفت و گاز، لیبی، الجزایر و تونس دوخته‌شده و بر فسفات، طلا، نقره، مس، کبالت مغرب و بر معادن نادر ناحیه ساحل و بر طلا و اورانیوم مالی و بر آهن یونانی و نفت نیجریه و بر تمامی منابع غرب جهان اسلام و مناطق هم‌جوار آن و این همان چیزی است که اوضاع استعماری منطقه را در مسیر افزایش رقابت، درنده‌خویی و زور‌پیزی قرار می‌دهد؛ بهایی که از خون و ثروت مسلمانان پرداخت می‌شود و طرابلس غرب شاهدی زنده و آشکار بر این واقعیت است. این، که سیاه ژئواستراتژیک است که به‌بدلیل نبود لیدر یکپه آمده و در پی آن، سرزمین‌های مسلمانان به میدان تاخت‌ونشان درندگان استعمار غربی تبدیل‌شده است. این فاجعه از میان نژادهای رفت، مگر با نابودی بنیان استعماری و نظام‌های خائن وابسته به آن و یعنی منظمه استعمار غربی و رژیم‌های خائن تابع آن. هیچ راه نجاتی جز اسلام و خلافت راشد به منتهج نبوت وجود ندارد.